

9 هزار سال عبادت ثواب گره گشایی از کار مردم



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد
مصطفی و آل طاهرینش

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۚ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

(نحل ایه 90)

به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می
دهد، و از فحشا و منکر و ستم گری نهی می کند. شما را اندرز می دهد
تا متذکر [این حقیقت] شوید [که فرمان های الهی، ضامن سعادت دنیا و
آخرت شماست]

یکی از راههای تقرب الی الله، گره گشایی از کار مردم است که در قران
به عنوان احسان و انفاق نام برده شده است. لذا

پیامبران و امامان و اولیاء خدا همیشه در حال گره گشایی از کار مردم بودند. روزی نبود که در آن روز پیامبر خدا(ص) کمک به دیگران نکرده باشند.

حضرت علی علیه السلام در حال نماز بود اما وقتی فقیر درخواست کمک کرد امام انگشترش را در حال نماز درآورد و به فقیر بخشید.

اهل بیت علیهم السلام سه شب تنها غذای خود را به گرسنه ها دادند و خود با اب افطار کردند

همچنین روایت شده امام حسن مجتبی(ع) در مسجد در حال اعتکاف بودند. شخصی خدمت ایشان عرض کرد من بدهکارم و طلبکار مهلت نمی دهد. شما بیایید از ایشان بخواهید به من مهلت دهد. حضرت برخاستند تا از اعتکاف خارج شوند. ابن عباس عرض کرد اقا فراموش کردید در حال اعتکافید؟ امام فرمود خیر فراموش نکردم ولی از پیامبر خدا شنیدم گره گشایی از کار مردم معادل 9 هزار سال عبادت است...

واین درس بزرگی برای همه بشریت است. که باید اهل نیکی کردن و کمک کردن به دیگران باشیم

گره گشایی انواع مختلفی دارد از انفاق کردن مال به نیاز مندان گرفته تا توصیه و سفارش برای رفع مشکل مردم یا تشکیل موسسه خیریه برای انواع کارهای خیر و دادن وام به مردم و آزاد کردن زندانی دیه و بدهکار و پرستاری از بیماران و ضامن شدن و صدها مورد دیگر...

در این کتاب به گره گشایی از کار مردم در سیره انسان های نیکوکار پرداخته شده است.

بهار 1404. کرمانشاه

عنایت امام زمان علیه السلام به مرحوم کافی

مرحوم شیخ احمد کافی فرمود:

شبى خواب بودم که نیمه های شب صدای در خانه ام بلند شد از پنجره طبقه دوم از مردی که آمده بود به در خانه ام پرسیدم که چه می خواهد؛ گفت که فردا چکی دارد و آبرویش در خطر است. می خواست کمکش کنم.

لباس مناسب پوشیدم و به سمت در خانه رفتم، در حین پایین آمدن از پله ها فقط در ذهن خودم گفتم: با خودت چکار کردی حاج احمد؟ نه آسایش داری و نه خواب و خوراک؛ همین

رفتم با روی خوش با آن مرد حرف زدم و کارش را هم راه انداختم و آمدم خوابیدم. همان شب حضرت حجه بن الحسن (عج) را خواب دیدم

فرمود: شیخ احمد حالا دیگر غر میزنی؛ اگر ناراحتی حواله کنیم مردم بروند سراغ شخص دیگری؟

آنجا بود که فهمیدم که راه انداختن کار مردم و کار خیر، لطف و محبت
و عنایتی است که خداوند و حضرت حجت (عج) به من دارند...

پاداش قرض دادن

آقای مجتهدی تهرانی (ره) نقل کرده است که آیت الله مشکینی ^[۱] فرمودند

در ایامی که تحصیل می کردم؛ یک روز 5 ریال بیشتر پول نداشتم. ^[۲] روزی در خیابان راه می رفتم یکی از طلاب به من رسید و گفت: 5 ریال داری به من قرض بدهی؟

با خود گفتم: اگر این پول را به او بدهم خود بی پول می مانم. ولی با ^[۳] خود فکر کردم که کار این بنده خدا را راه می اندازم، خداوند کریم است.

پول را به او دادم. چند قدمی که رفتم؛ یکی از همشهری های من، از [?] اهالی مشکین شهر به بنده رسید؛ با هم مصافحه کردیم

موقع خداحافظی پولی در دست من گذاشت و رفت. چون نگاه کردم؛ دیدم 5 تومان است

باز یکی از طلاب به من رسید و از من 5 تومان قرض خواست. این [?] دفعه نیز گفتم خدا کریم است. اکنون که این آقا معطل است؛(و میدانستم واقعا احتیاج دارد) کار او را راه بیندازم

پول را به او دادم. چون مقداری جلوتر رفتم؛ یکی دیگر از همشهری [?] های خود را دیدم. پس از مصافحه و احوالپرسی موقع خداحافظی، پولی در دست من گذاشت و رفت

چند قدم جلوتر رفتم نگاه کردم دیدم 50 تومان است. ناگاه یاد این [?] آیه شریفه افتادم که «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (انعام، آیه 160) یعنی هر کس عمل نیکی انجام دهد ما ده برابر به او پاداش می دهیم

دیدم بار اول 5 ریال داشتم. چون به یک نیازمندی قرض دادم؛ 50 [?] ریال (5 تومان) خدای کریم رساند و چون 5 تومان را قرض دادم؛ ... خداوند کریم در عوض 50 تومان یعنی درست ده برابر رسانید¹

نکته: منظور از قرض دادن کسانی هستند که آنها را میشناسید و از [?] وضعیت نیاز آنها مطلعید نه افراد سودجو در فضای مجازی

[?]

حسینی، سید نعمت الله، مردان علم در میدان عمل، ج 6¹

نواب صفوی پول خانه را بین نیازمندان تقسیم کرد...

حضرت آیت الله خزعلی در خاطرات خود آورده است: «شبی نزد او سی هزار تومان پول برده بودند، تا برای خود یک خانه ای تهیه کند؛ زیرا در آن تاریخ با سی هزار تومان می شد یک خانه کوچک تهیه کرد . به او گفته بودند که این مبلغ نه سهم سادات و نه سهم امام و نه از وجوہات دیگر است؛ این هدیه ای است از ما به شما برای خرید یک باب منزل شخصی برای خودتان تا از اجاره نشینی رها شوید . شهید نواب پاسخ داده بود که: اگر پول را به این شرط می دهید نمی پذیرم، ولی اگر بدون شرط بدهید و مرا آزاد بگذارید خواهم پذیرفت . شخص اهداء کننده پول را بدون شرط تسلیم او نمود . ایشان همان شب پول را به بیوه زنان، یتیمان و محرومین و پا برهنگانی که قبلا آنان را می شناخت توزیع کرد . گره گشائی و رفع نیاز محرومان، از خصوصیات بارز این شهید راه حق بود.»

ایه الله مرعشی نجفی برف سر راه زائران را پارو کردند...

آیت الله مرعشی نجفی نزدیک به شصت سال، و در هر روز، سه وعده، در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به اقامه جماعت پرداخت و در برخی صبح های زمستانی قم - که بیش از یک متر برف باریده بود -، قبل از اذان صبح و در حالی که درهای صحن مطهر هنوز بسته بود، به سمت حرم راه می افتاد و با پارو، برف های مسیر زائران به سمت حرم را کنار می زد.

روزی ایشان وارد حمام عمومی می شود و برخی از افراد حاضر در حمام، می پندارند که ایشان، دلاک حمام است؛ از او می خواهند که آنان را کیسه بکشد و ایشان هم بی درنگ به این کار مشغول می شود. پس از دقایقی که دلاک اصلی حمام سر می رسد، آیت الله مرعشی را می شناسد و از ایشان عذر می خواهد. ایشان هم می فرماید: عذرخواهی لازم نیست. من

افتخار می‌کنم که به زائران و مجاوران حضرت فاطمه معصومه (س)
خدمت کنم...

ایه الله حائری شیرازی و شستن توالت...

یکی از مومنین می گوید:

در تابستان سال ۷۷ با دوستانی به همدان رفتیم تا دو سه روزی در « معیت استاد «حاج شیخ حسین انصاریان» باشیم. پیش از ظهر، ما را به سیاحتی در درّه «گنجنامه» بردند، چون تابستان و تعطیلات بود، جمعیت زیادی آمده بودند و متوجه شدیم مردم برای قضای حاجت مشکل دارند. به ما هم سرایت کرد؛ چون سه چشمه توالت موجود در گنجنامه گرفته بود. کاسه آنها پُر و لبریز از کثافت شده بود. مردم به ناچار با ...سنگ و کلوخ و

ما که قصد داشتیم در آنجا تا غروب بمانیم، با این وضع ممکن نبود. تصمیم گرفتیم کمی در تپه ها و باغات پیاده روی کنیم و برگردیم.

ساعاتی بعد که به محل پارک ماشین ها کنار توالت های غیر قابل استفاده برگشتیم، متوجه صف مردم برای قضای حاجت و وضو گرفتن بعضی دیگر شدیم.

تصور کردیم شهرداری یا سازمان گردشگری که پول ورودی می گیرند، بالأخره وظیفه معطل مانده شان را انجام داده اند! اما در میان مردم سخن از یک شیخ محترم بود که می گفتند به اینجا آمده برای دیدن گنجنامه و کار را ایشان درست کرده اند. راننده ما - که آنجا مانده بود - برایمان نقل کرد که یک روحانی آمد و وضع مستراح ها و مشکل مردم را که دید، اول سراغ مسئولین را گرفت، کسی حضور نداشت. به راننده و همراهانش گفت: کاری بکنند و آنان هم دیدند آنجا پر از تعفن و... است، به ایشان گفتند: خیلی بوی بد می دهد و ابزاری برای پاکسازی نداریم. شیرهای آب هم خراب اند. نمی توانیم کاری بکنیم. ولی خود ایشان رفتند و اوضاع را دیدند. آنگاه، لباس روحانیت را از تن در آوردند و آستین ها را بالا زدند و دست هایشان را در کیسه های پلاستیکی میوه هایی که در ماشین بود گذاشتند. سپس، گفتند: هرچه کیسه پلاستیک در ماشین ها است، بیاورند. ایشان پارچه ای روی دهان و

بینی خود بستند و شخصا تمام اشیاء و لجن ها و... را با دست از کاسه های توالت بیرون کشیده و در کیسه ها ریختند و از راننده و محافظ ها - که حالشان به هم میخورد - خواستند از درّه با دبه ها آب بیاورند. پس از تخلیه و باز کردن گرفتگی ها، همه توالت ها را شسته و آماده استفاده مردم کردند. خرابی لوله ها و شیرهای آب را هم برطرف کردند و سپس، خود را طاهر کرده، وضو گرفته و در گوشه باغچه ای در آن نزدیکی به نماز ایستادند.

مشتاق شدم بروم ایشان را ببینم و بدانم کدام روحانی اند. از دور به ما نشان دادند و تا آمدیم به ایشان برسیم سوار خودرو شده بودند. ماشین چرخی زد و از کنار ما رد شد و دیدم ایشان «آیت الله حائری شیرازی» نماینده ولی فقیه و امام جمعه شیراز است. بسیار تحت تاثیر قرار گرفتم و به همراهان گفتم: ای کاش رسیده بودیم و برای این کار، دستشان را بوسیده بودیم. همراهم به شوخی گفت: حالا نذر کن هر وقت دیدی، ببوسی تا قضای دست بوسی را بجا بیاوری! من با جدّیت گفتم: نذر می کنم حتما برای بوسیدن هردو دستش به شیراز بروم.

چند ماه بعد استاد «حاج شیخ حسین انصاریان» را برای منبر به شیراز دعوت کردند و من هم برای دیدن آشنایان و دیدار ایشان و میزبانان «آیت الله حائری» به شیراز رفتم. هم فال بود و هم تماشا. هنگامی که به خانه آیت الله حائری رفتیم، تعدادی از روحانیان و مسئولان نشسته بودند. می دانستم آقای حائری به هیچ وجه نمی گذارند کسی دستش را ببوسد. وسط مجلس ایستاده و اعلام کردم حاج آقا اجازه دست بوسی نمی دهند، اما من چند ماه پیش در همدان برای کاری که کرده اند، نذر شرعی کرده ام تا در نخستین دیدار، هر دو دست ایشان را ببوسم. بلافاصله، به سمتشان رفتم و با ذکاوت و هوشی که داشت متوجه علت شدند. تا آمدند دست ها را پس بکشند، آن دو را گرفتم و بوسیدم و بر دیده گذاشتم. به مطایبه و نکته پرانی همیشگی گفتند: شما فقط اهل تشویق کار خوب هستید یا اهل عمل به کارهای خوب هم هستید؟ عرض کردم: دعايمان كنيد كه اهل عمل بشويم، چون پيش از جنابعالی، ما هم گرفتاری مردم و خودمان را در آن تنگه دیده بودیم و رد شدیم. کُمیت کار ما لنگ است، امیدوارم از شما بیاموزیم.

بعد آهسته تر فرمود: حالا نمی خواهد به این آقایان بگویید. بین
خودمان باشد.

خاطره از محمدعلی نادعلی

راهکار خوشحالی در قیامت چهار خصلت است...

بر در ب دوم بهشت نوشته است: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله. ان لكل شیء حيلة وحيلة السرور يوم القيامة اربع خصال.

مسح رؤوس الیتامی والتعطف علی الارملة والسعی فی حوائج المؤمنین والنفقة للفقراء والمساکین. برای هر کاری چاره‌ای است و چاره خوشحالی روز قیامت چهار خصلت است. کشیدن دست مهربانی بر یتیمان. مهربانی بر بیوه زنان. تلاش در رفع گرفتاری مؤمنان. چهارم صدقه به فقرا و بیچارگان...

نیکوکاری مورد عنایت الهی...

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (195 بقره)

همانا خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

رسیدگی به بیمار کفاره گناهان

پیامبر (ص) فرمود

وَمَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ قَضَاهَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ

کسی که برای برطرف شدن مشکل بیماری، تلاش کند و مشکل او را
برطرف کند از گناهانش خارج می شود مانند روزی که از مادر زاده شد

این بار خود شیخ برخاست و او را بغل گرفت..

در کتاب هزار و یک حکایت آمده که یکی از اطرافیان مرحوم شیخ هادی نجم آبادی نقل می کرد: یک روز یکی از علاقه مندان شیخ که مردی افغانی بود و گاهگاهی به دیدن شیخ می آمد برای او پیغام داد که من دچار وبا شده ام به خاطر خدا بر سر بالینم بیاید . شیخ با آنکه سالها بود هیچ جا نرفته بود آهنگ عیادت بیمار را کرد و به من گفت تو هم بیا من قبول کردم و به همراه وی به خانه بیمار و بازده رفتیم. بیمار از شدت استفراغ و اسهال کاملاً توانایی خود را از دست داده بود بطوری که در حضور ما دو بار به سختی خود را به توالت رساند ولی بار سوم دیگر یارای حرکت نداشت. شیخ رو به من کرد و گفت این مرد غریب است قادر به حرکت نیست وی را سر پا بگیر که پیش خدا بی مزد نیست. من برخاستم او را به توالت بردم و سر پا گرفتم از شدت عفونت و گند حالم بهم خورد. سپس او را شسته و خوابانیدم . پس از چندی باز هم آن مرد غریب اسهال گرفت. این بار خود شیخ برخاست و او را بغل گرفت. من هر چه اصرار کردم که من جوانم و شما پیر و ناتوانید این کار را بمن واگذار کنید قبول نکرد و گفت این بار نوبت من است و بعد مرد بیمار را

به توالی برد . از آن پس شیخ هادی تا زمان مرگ بیمار غریب و بی
کس افغانی به خانه او می رفت و پرستاریش می کرد و پس از مرگ
. بیمار او را به خاک سپرد

پوشک کردن همسر

یکی از آقایان می گفت چند سال است زنم سرطان دارد و من همه
کارهای ایشان را از جمله پوشک کردنش را انجام می دهم...افرین به
این شوهر وفادار
.

زن هم قطع نخاع شد

جانباز قطع نخاعی بود که ماگاهی از ایشان عیادت می کردیم و خانمش
کارهای ایشان را انجام می داد اما ناگهان خبر تلخی شنیدیم که این
جانباز با همسرش سفر می رفتند تصادف می کنند و خانم هم قطع نخاع
!شده است

به عیادت این زن و شوهر رفتیم و دیدیم هر کدام روی تختی افتاده اند
و خواهر خانم جانباز به اینها خدمت می نماید

چه بسیار جانبازانی که همسران آنها سالهاست پرستار آنان هستند که این
همسران جانبازان مقام بسیار والایی دارند

در ایام کرونا چقدر از طلبه ها و غیر طلبه ها بر بالین بیماران رفتند و
کارهای آنها را انجام می دادند

پرستاری از جانباز توسط سردار سلیمانی

حاج قاسم سلیمانی وقتی نزدیک ایام عید می خواست به کرمان و به
دیدار ولدین خود برود، به همسر این جانباز زنگ می زد و می گفت من
دو روز به خانه شما می آیم. لباسی تهیه می کرد و به خانه او می رفت.
جانباز را استحمام می داد...

به گزارش خبرگزاری اهل بیت(ع) - ابنا - مشاور عالی فرمانده نیروی
قدس سپاه پاسداران خاطره ای درباره خدمت گذاری سردار «قاسم
سلیمانی» به یک جانباز نجف آبادی روایت کرده است

خاطره حجت الاسلام و المسلمین «اسماعیل سعادت» به شرح زیر است:

جانباز قطع نخاعی "ناصر توبه‌ای‌ها" در سن 21 سالگی فرماندهی یکی «
از گردان های لشکر 41 ثارالله کرمان را برعهده داشت که در آن زمان
حاج قاسم سلیمانی در سمت فرماندهی لشکر خدمت می کرد. سردار
شهید حاج قاسم سلیمانی وقتی نزدیک ایام عید می خواست به کرمان و
به دیدار ولدین خود برود، به همسر این جانباز زنگ می زد و می گفت
من دو روز به خانه شما می آیم. لباسی تهیه می کرد و به خانه او می
رفت. جانباز را استحمام می داد، تخت او را آماده می کرد و در این دو
روز به همسر جانباز می گفت کار آشپزخانه هم به عهده من است؛ دو
روز خدمت گذاری این جانباز قطع نخاعی را داشت، بعد به سمت کرمان
رفت.». می رفت. این جانباز در دی ماه سال 1392 به دیار حق شتافت

نیکوکاری شیخ جعفر مجتهدی

یاری و دستگیری از درماندگان و مردم کوچه و بازار از برنامه های شیخ جعفر مجتهدی بوده است. این دستگیری که گاهی با کرامت و گاه به طور عادی انجام می شد حد و مرزی نمی شناخت روزی به اتفاق ایشان از کرج به تهران می رفتیم. در اثنای راه به سربازی برخوردیم که در کنار جاده به انتظار ماشین ایستاده بود. آقا به من فرمودند: این سرباز را سوار کنید! هنگامی که به میدان آزادی رسیدیم ماشین را متوقف کردم تا سرباز پیاده شود، فرمود: آقا جان! ایشان را باید به مقصد برسانیم! به آقا گفتم اگر

بخواهیم او را برسانیم دو ساعت طول می کشد! فرمودند: باشد! او را به مقصد برسانیم تا انشاء الله ما را هم به مقصد برسانند^۲

مسلمانان و شیعیان باید نیکوکار باشند و اگر این چنین نباشد، شیعه واقعی نیستند!

«ابو اسماعیل به امام صادق علیه السلام گفت: در منطقه ما شیعه زیاد است. امام پرسید: آیا پولدارهای شیعه به فقرا کمک می کنند؟ آیا اهل عفو و گذشت هستند؟ آیا نسبت بهم همدردی می کنند و کمک هم هستند؟ گفت: نه! فرمود: پس اینها شیعه نیستند^۳»

سنگ داخل جاده را بر می داشت تا مانع عبور مردم نشود...

«وقتی امام سجاد علیه السلام در کوچه حرکت می کرد، اگر سنگی را سر راه می دید آنرا برمی داشت و کنار راه قرار می داد. امام سجاد ع گاهی با کاروانهای ناشناس به سفر حج می رفتند و در طول راه، کارهای خدماتی مسافرین را انجام می دادند و مسافرین هم که امام

^۲ لاله ای از ملکوت، ص 364

را نمی‌شناختند، کارهای خود مثل تهیه غذا و شستن ظرف و ظروف را بعهدہ حضرت می‌گذاشتند^۴

هزینه تربیت یک مجتہد را پرداخت کرد..

«آیہ اللہ شیخ جواد تبریزی از مراجع معاصر، قبل از رفتن بہ نجف و رسیدن بہ مرجعیت، دوست داشتند کہ در نجف ادامہ تحصیل بدهند ولی از نظر مادی قادر بہ این کار نبودند . روزی در حال بحث علمی بودند درحالی کہ یک نفر شخصی بحث آنہارا گوش می‌داد . بعد از بحث علمی، آن شخص بہ شیخ جواد گفت: دوست دارم کہ یک حاجت از شما را روا کنم . ایشان ہم مسئلہ رفتن بہ نجف را مطرح کردند . او عہدہ دار رفتن آقا بہ نجف شد . با کمک این مرد، شیخ جواد بہ نجف رفت و از آن سال با کمکهای آن فرد، دیگر محتاج بہ شہریہ و خمس نشد تا اینکہ بہ مرجعیت رسید

ایشان آخوند ملاعلی

«خادم آخوند ملاعلی معصومی همدانی نقل کرده بود که روزی پیرمردی به درب منزل آقا آمد و گفت می‌خواهم به خدمت آقا برسم. بعد از اجازه آقا به داخل آمده عرض کرد: من پیرمرد حمالی هستم و دو دختر دم بخت دارم. لکن برای تهیه جهیزیه آنها پول ندارم و تابحال جهیزیه‌ای برای آنها تهیه نکرده‌ام.

مرحوم آخوند مبلغ قابل توجهی به وی داد تا برای دخترانش جهیزیه تهیه نماید.

چندی بعد یک شب در حالی که پاسی از شب گذشته بود همان پیرمرد در زد و آقا خود در حالی که عرقچینی بر سر داشت به جلوی در رفت و حاجت او را پرسید. پیرمرد عرض کرد که امشب عروسی یکی از دخترهاست. آن دختر قبلی را که بردند شوهرش برایش النگو خریده بود، لکن برای دومی نخریده‌اند بهمین دلیل دخترم ناراحت و غمگین است.

مرحوم آخوند فرمود: آخر الان بر فرض که من به شما پول بدهم مغازه‌ای باز نیست که شما النگو بخرید. در این حال پیرمرد که غصه تمام وجودش را فرا گرفته بود سر به زیر انداخت و قصد مراجعت داشت که یکباره مرحوم آخوند فرمود: صبر کن. و به اندرون رفت سپس دخترش را که خوابیده بود بیدار کرد و از او خواست که برای خشنودی دل

دختر این پیرمرد انگویش را در بیاورد تا به پیرمرد بدهد . سپس مرحوم آخوند انگو را گرفت و در جلوی در به پیرمرد داد تا بلکه دل دخترکش شاد شود .^۵

امام سجاد (ع) در مدت عمرشان هزار برده آزاد کردند.

وقتی امام سجاد (ع) روزه می گرفتند، دستور می دادند که گوسفندی را پخته و گوشت آنرا بین فقرا تقسیم کنند و خود با نان و خرما افطار می نمودند.

امام، هزینه بیش از صد خانواده را در مدینه به عهده داشتند و...

بخشش ها و هدایای امام باقر (ع) بین پانصد درهم تا ششصد هزار درهم بود. و امام از

بخشیدن زیاد ملول نمی شد. و هرگز شنیده نشد که فقیری در خانه امام بیاید

و جواب تحقیر آمیز بشنود بلکه بدستور حضرت، فقیر را با بهترین نام جواب

می دادند. «منتهی الامال ج 2»

معلی بن خنیس می گوید:

دیدم که امام صادق (ع) با کیسه ای بردوش به جایی می رود. اجازه گرفتم که ایشان

را همراهی کنم. با حضرت به محله فقراء رفتم و امام بر بالای سر آنان که همگی

در خواب بودند، مقداری غذا می گذاشت. من پرسیدم که اینها شیعه هستند؟ امام

فرمود: اگر شیعه بودند که ما هر چه داشتیم حتی نمکمان را با آنها نصف می نمودیم. «منتهی الامال ج 2 ص 244»

ابوجعفر خثعمی گوید:

امام صادق (ع) کیسه‌ای پول بمن داد و فرمود:

این را به فلان سید بده ولی نگو چه کسی آن را داده است.

منهم آن را به شخصیکه امام معرفی کرده بود دادم. او گفت: خدا جزای خیر به این کسیکه همیشه بمن کمک کند، بدهد ولی جعفر بن محمد حتی یک درهم هم بمن کمک نمی کند! «منتهی الامال ج 2 ص 244»

کیسه‌های هدیه امام کاظم (ع) از بس زیاد بود، مثل زدن بود. امام شبها زنبیل را از غذا و پول پر می کردند و بطور ناشناس برای فقیران می بردند.

آن امام در مدت عمرشان هزار برده آزاد نمودند.

در روز عید نوروزی بود که منصور دستور داد امام کاظم (ع) در کاخ او بنشیند و مردم و مسئولین برای تبریک نزد امام بروند.

هر که می آمد هدیه ای هم می آورد. پیرمردی آمد و گفت: من چیزی ندارم که هدیه بدهم. ولی جدم در مصیبت جدشما چند بیت سروده است که آنها را تقدیم می کنم. سپس ابیاتی را خواند. امام فرمود: هدیه تورا قبول کردم. بنشین! خدا بتو برکت بدهد. سپس امام درباره هدایایی که آورده بودند از خلیفه کسب تکلیف کردند و منصور هم آنها را به امام واگذار کرد.

امام همه آن هدایا را به پیرمرد بخشیدند. «منتهی الامال ج 2 ص 340»

هرگاه برای امام رضا (ع) سفره می انداختند، امام ابتدا ظرف غذایی برای فقرا می فرستادند و می فرمودند: «فلا اقتحم العقبة» یعنی کسانی از قیامت نجات می یابند که برده آزاد کنند یا به یتیم اکرام نمایند. «منتهی الامال ج 2 ص 463»

شخصی از خراسان، خدمت امام رضا (ع) عرض کرد که من در شهرم وضع مالی خوبی دارم ولی در اینجا پولم را گم کرده ام. شما بمن قرض بدهید تا من وقتی به شهرم رسیدم، از طرف شما آنرا صدقه بدهم؟

امام داخل اطاق خصوصی شان رفتند و سپس در حالیکه در دستشان کیسه بود و آنرا از لای در اطاق بیرون آورده بودند، فرمودند: آن مرد خراسانی کجاست؟ او گفت: اینجا هستم. امام آن مبلغ را به او دادند و فرمودند لازم نیست از طرف ما صدقه بدهی.

وقتی خراسانی رفت، امام آمدند و نشستند. یکنفر سؤال کرد که چرا پول را از لای در به او دادید و صورت خود را از او پوشانید؟ فرمود: بخاطر اینکه مبادا حالت خواری و کوچکی را در او بینم. «منتهی الامال ج 2 ص 466»

امام رضا (ع) در روز عرفه، تمام دارائی خود را بخشیدند. وزیر مأمون گفت: این گونه بخشش غرامت است! امام فرمود: خیر بلکه غنیمت است. و هرگز چیزی را که بوسیله آن بدنبال پاداش و ثواب و کرامت هستی، ضرر نشمار! «ستارگان درخشان ج 10 ص 19»

کمک عجیب امام هادی علیه السلام به شخص بدهکار...

روزی شخصی نزد امام هادی (ع) رفت و اظهار نمود که بدهی زیادی دارم و درخواست کمک کرد.

امام به او فرمود: من کاری را می‌خواهم که تو انجام دهی و تورا قسم می‌دهم که امتناع نکنی!

گفت: امتناع نخواهم کرد.

امام کاغذی نوشتند مبنی بر اینکه این شخص مبلغی از امام طلبکار است. سپس به او گفتند وقتی عده‌ای از مردم نزد من هستند، این کاغذ را بیاور و طلب خودت را از من بخواه!

او این کار را کرد و خلیفه هم بوسیله جاسوسانش خبردار شد و کیسه‌ای پول برای امام فرستاد و امام هم آن را به او داد. «ستارگان درخشان ج 12 ص 35»

محمد بن علی بن ابراهیم گوید: من و پدرم برای گرفتن کمک مالی نزد امام هادی (ع) رفتیم. پدرم می‌گفت: ای کاش امام پانصد درهم بمن بدهد تا بادویست درهم

لباس بخرم و دوایست درهم به طلبکارها بدهم و صد درهم برای سایر مخارج داشته باشم. من هم در دل خود گفتم ای کاش امام بمن سیصد درهم بدهد تا با صد درهم الاغی بخرم و با صد درهم لباس تهیه کنم و بقیه را برای سایر مخارج بگذارم.

ما خدمت امام مشرف شدیم و سپس با امام خدا حافظی کردیم و موقع خارج شدن از خانه امام، خدمتکار حضرت دو کیسه پول آورد و یکی را به پدرم داد و گفت: پانصد درهم در آنست که دوایست درهم برای لباس و دوایست درهم برای طلبکارها و صد درهم برای خودت! و کیسه ای هم بمن داد و گفت: صد درهم برای خرید الاغ و صد درهم برای لباس و صد درهم برای سایر مخارج! «ستارگان درخشان ج 13 ص 18»

ابوهاشم جعفری گوید:

با امام حسن عسکری (ع) بصورت سواره جائی می رفتیم. من در دل با خود می گفتم: موقع پرداخت قرضه هایم رسیده و من پولی برای پرداخت ندارم و نمی دانم چکنم؟

ناگاه امام برگشت و فرمود: خدا اداء می کند. سپس همانطور که سواره بود خم شد
و با تازیانه خطی روی زمین کشید و فرمود: پیاده شو و بردار! من پیاده شدم و دیدم
تکه ای طلا است. آنرا برداشتم و سوار شدم. و با خود گفتم: قرضم جور شد ولی ای
کاش برای خرج زمستانم هم پولی داشتم!

ناگاه دوباره امام برگشت و فرمود: خدا ادا می کند و مانند گذشته دوباره خم شد
و خطی کشید و فرمود: پیاده شو و بردار! من پیاده شدم و قطعه طلا را برداشتم.

دوباره بخشش های امام عصر (عج) داستانهای عجیبی در تاریخ ذکر شده که چگونه
امام به مقروضین و نیازمندان کمک می کنند که در کتب تاریخ و معجزات
و کرامات امام عصر (ع) از آنها یاد شده است.

امام صادق علیه السلام علاوه بر این که احسان می کرد و به حلّ مشکلات گرفتاران، اقدام می نمود، به دیگران هم سفارش می کرد که چنین کنند.

مردی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: در دیوان نجاشی که بر اهواز و فارس، ولایت دارد، خراجی بر عهده من نهاده شده که قدرت پرداخت آن را ندارم. نجاشی به شما ارادت دارد. اگر صلاح بدانید در این رابطه به او سفارش کنید. امام صادق علیه السلام در نامه ای نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. سرّ أخاك يسرّك الله».

نامه را گرفت و به سوی وطن بازگشت. به دیدن نجاشی رفت و با او خلوت کرد. نامه را به او تقدیم کرد و گفت: «این نامه را حضرت صادق برای شما فرستاده است. نجاشی نامه را گرفت و بوسید و بر چشم

گذاشت و گفت: «حاجت تو چیست؟». گفت: «خراجی در دیوان شما بر عهده من نهاده شده که قدرت پرداخت آن را ندارم». پرسید: «چه مبلغ؟» گفت: «ده هزار درهم».

نجاشی کاتب خود را خواست و به او گفت: «دین این مرد را از اموال شخصی من ادا کن». دستور داد مالیات سال آینده را نیز از او نگیرند. آن گاه به آن مرد گفت: «آیا تو را خوش حال کردم؟». گفت: «بلی؛ فدایت شوم». سپس دستور داد یک حیوان سواری و یک غلام و یک کنیز و یک دست لباس به او عطا کردند. و در هر مرتبه می پرسید: «آیا تو را خوشنود کردم؟» و او جواب می داد: «آری». سپس گفت: «فرش این خانه را که بر روی آن نامه امام صادق مولایم را دریافت کردم نیز جمع کنید و به این مرد بدهید». سپس گفت: «در آینده، هر گاه حاجتی پیدا کردی، نزد من بیا».

آن مرد اموال را گرفت و خارج شد. چندی بعد خدمت امام صادق علیه السلام رسید و جریان نامه و کار نجاشی را برایش تعریف کرد. امام صادق علیه السلام بسیار خوشنود شد. آن مرد عرض کرد: «یا ابن رسول الله! گویا از عمل او خوشنود شدید؟». فرمود: «آری؛ به خدا سوگند! خدا و رسولش نیز از این عمل خوشنود شدند.»^۶

^۶ بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۳۷۰

توصیه امام صادق علیه السلام برای بخشش بدهی

محمد بن بشر، یک هزار دینار به شهاب بدهکار بود و قدرت پرداخت آن را نداشت. خدمت امام صادق علیه السلام رسید و تقاضا کرد با شهاب صحبت کند که بدهکاری او را تا بعد از موسم حج تأخیر بیندازد.

حضرت صادق علیه السلام شهاب را فراخواند و به او فرمود: «تو از حال محمد و ارتباطش با ما اطلاع داری. می گوید، مبلغ یک هزار دینار به شما بدهکار است. این پول را در راه خوراک و شهوترانی صرف نکرده، بلکه از مردم طلبکار است. من دوست دارم این پول را به او ببخشی و حلالش کنی.» و فرمود: «شاید تو تصوّر می کنی که در عوض این پول خدا از «حسنات او بر می دارد و به تو عطا می کند؟

».شهاب عرض کرد: «ما این گونه می پنداریم

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال، عادل تر از این است که بنده اش در شب های سرد به عبادت برخیزد و روزهای گرم را روزه بگیرد و خانه خدا را طواف کند، آن گاه همه این ها را از او بگیرد و به دیگری بدهد! نه! چنین نیست! بلکه فضل خدا زیاد است و به بنده مؤمن خود تفضل می کند

شهاب عرض کرد: «یا ابن رسول الله! او را حلال کردم.»^۷

:

^۷ بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۳۶۴

انواع احسان و نیکوکاری

ترک دادن معتاد: شخصی خیر معتادی را به منزل خود برد و مدتی از او نگه داری کرد و او را وادار به ترک مواد مخدر نمود و مانند ایشان افراد دیگری هستند...

تشکیل قرض الحسنه: در کشور ما افراد نیکوکاری هستند که صندوق قرض الحسنه تشکیل داده و به مردم وام می دهند...

خانه ایتام: موسسات خیریه ای هستند که تعدادی از دختران نوجوان بی سرپرست را با مجوز بهزیستی جمع اوری نموده و در ساختمانی از آنها نگه داری می کنند

خانه نیکوکاری: در تعدادی از محله ها و مساجد خانه نیکوکاری برپا شده ..و به نیازمندان محل کمک می نمایند

ساختن پل: افراد خیری بودند که برای رفاه مردم در جاهایی که نیاز .. بود پل درست می کردند

کتابخانه.افراد خیری هستند که موسس کتابخانه هستند و دربالارفتن ...
دانش مردم کمک می نمایند.حتی در دوران تمدن اسلامی به افرادی که
مرتب کتابخانه می آمدند ماهانه هدیه می دادند

مسجدو.حسینیه:علاوه بر ساختن هزاران مسجد مانند مسجد گوهرشاد .
و مسجد اعظم و نمازخانه ها ،هزاران حسینیه هم توسط افراد خیر
بناشده است تا مردم در انها جمع شوند و برای اهل بیت علیهم السلام
مراسم برگزار نمایند

دارالقران:برای برگزاری جلسات قران کریم،توسط خیرین هزاران ...
..دارالقران ساخته شده است

احیا و وقف چاه و قنات و باغ:عده ای از خیرین برای استفاده مردم ...
قناتها چاهها و باغها را احیا کردند

کمک به حوزه ها و احداث ساختمان حوزه و تاسیس حمام بر ای ...
..طلاب:در کشور ما دهها حوزه علمیه بوسیله خیرین ساخته شده است

تهیه قرآن و مفاتیح برای روستاها:افرا خیری هستند که قران و ...
..مفاتیح و کتب دینی برای روستاهای محروم تهیه می نمایند

پذیرایی از روحانی در روستا. افراد خیری هستند که در ایام تبلیغ ..
،میزبان روحانی اعزامی می شوند و گاه کل ماه مبارک رمضان از روحانی
در افطار و سحر پذیرایی می نمایند

اطعام روزه دارها: یکی از سنتهای خیلی خوب این است که در ماه ...
..مبارک رمضان خیرین به مردم افطاری می دهند

پذیرایی در اعیاد و موالید اهل بیت علیهم السلام. عده ای از خیرین ..
هستند که در چشنها و عزاداری اهل بیت علیهم السلام پول خرج می
کنند و از مردم چه بوسیله شام نهار و صبحانه و چه بوسیله شیرینی و
..شربت و خرما و غیره پذیرایی می نمایند

آب سردکن: عده ای از خیرین برای رفع تشنگی مردم آب سردکن در .
....جایگاه شهرها و روستاها نصب می نمایند

کمک به عتبات عالیات: یکی از کارهای خیرین کمک به توسعه
ساختمانهای عتبات عالیات است که کمکهای هنگفتی که بیش از هزار
میلیارد تومان تخمین زده شده تا کنون کمک شده است

خیرینی هستند که به تحصیل دانش نوجوانان جوانان چه در مدارس و دانشگاه‌ها و چه در حوزه‌های علمی کمک می‌کنند.

کاروانسراهایی که در سراسر ایران تأسیس شد چقدر به مردم کمک کردند

و...

چرا مریض شدم نیامدی؟

صادقین(ع): خداوند، روز قیامت از مؤمن حساب آسانی می‌کشد. سپس
اورا عتاب می‌کند که چرا وقتی مریض شدم، به عیادت نیامدی؟ مؤمن می
گوید: تو پروردگار و من بنده ام! تو حیی هستی و دچار درد و ناراحتی نمی
شوی! خدا می‌فرماید: هر که مؤمنی را عیادت کند، گویا مرا عیادت کرده
است...

در روایتی قدسی، در بیان خداوند چنین آمده است

الْخَلْقُ عِيَالِي، فَاحَبُّهُمْ إِلَيَّ الطِّفْلُ بِهِمْ وَ أَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ

مردم عایله و روزی خواران من اند، محبوب ترین آنها نزد من کسی است که به عایله ام مهربان تر و در بر آوردن نیازمندیهایشان کوشا تر باشد

پیامبر (ص) فرمود:

((خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ وَ شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَضُرُّ النَّاسَ))

بهترین مردم کسی است که به مردم نفع برساند و بدترین مردم کسی است که به مردم ضرر برساند.

خدمات ارزنده آیه الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی نسبت به

مستضعفین

آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری، نه فقط به طلاب حوزه علمیه رسیدگی می نمود، بلکه همواره در فکر بینوایان و مستمندان و عامه مردم بوده و از احوال آنهاجویا می شد و به افراد درمانده شهریه می داد. شبهای عید نیز برای فقراء عیدی در نظرمی گرفت. در یکی از سالهایی که قحطی سایه شوم خود را بر کشور افکنده و فقراء درسختی به سر می بردند، «دار الاطعامی» تاسیس کرد که دائماً فقراء را اطعام می نمود. دیگر از خدمات ارزنده ایشان تاسیس مریض خانه ای برای بیچارگان و فقراء بود که مرحوم «سید الاطباء کهکی» را برای معالجه بیماران به آنجا آورده بود. پس از مدتی که توسط افراد نیکوکار، مقداری پول جمع آوری شد، به پیشنهاد مرحوم حاج شیخ، بیمارستان فاطمی را ساختند و خود ایشان نخستین کلنگ را به دست مبارکشان بر زمین زدند...